



تهران | ۱۳۹۳

نویسنده: لارس اسپیلین

فلسفه ترس

مترجم: خشایار دیهیمی

سرشناسه | «سوندس» لارس افار. هو.، ۱۹۷۰ - م.

Svendsen, Lars H.

عنوان و نام پدیدآور | فلسفه ترس / لارس افارسوندسن؛ ترجمه خشایار دیهیمی.

مشخصات نشر | تهران: نشر نی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری | ۲۴۰ ص؛

شابک | 978-960-91606-4-8

وضعیت فهرست نویسی | خپا

یادداشت | عنوان اصلی | A Philosophy of Fear

یادداشت | کتابنامه

موضوع | ترس -- جنبه‌های اجتماعی

شناسه افزوده | دیهیمی، خشایار، ۱۳۳۴ -، مترجم

رده بندی کنگره | ۱۳۹۲ ف۸۱۵۲الف/۰۳۳ HM1

رده بندی دیویی | ۳۶۱/۱

این کتاب ترجمه‌ای است از: Lars Svendsen

A Philosophy of Fear

Reaktion Books, London, 2008



| A philosophy of war | ترس |
| آیه و هنر زندگی |
| سرپرست و سرپرست مجموعه | خشایار دیهیمی |

Lars svendsen	نویسنده	لارس اسوندسن
مترجم	خشایار دیهیمی	
نمونه خوانی	سونگه خوانی	
بازخوانی نهایی	آذرنگ	
بازبینی نهایی متن	مانا رسد	

طرح روی جلد	بهرام داوری
مدیر هنری و طراح جلد	محمود منفرد
نظارت فنی و چاپ	حمیدرضا صبوری
حرفنگاری و صفحه‌آرایی	فرحناز رسولی
لیتوگرافی	امین گرافیک
چاپ و صحافی	سپیدار

شابک	978-600-91606-4
چاپ اول	۱۳۹۳
شمارگان	۱۷۰۰ جلد
قیمت	۱۱۵۰۰ تومان
WWW.Gomanpub.com	
info@Goman.pub.com	

فهرست

۹	 سخن سرپرست هیئت مدیره
۱۷	 پیشگفتار
۲۱	 فصل ۱: فرهنگ ترس
۴۱	 فصل ۲: ترس چیست؟
۸۷	 فصل ۳: ترس و خطر (ریسک)
۱۳۳	 فصل ۴: جذابیت ترس
۱۶۵	 فصل ۵: ترس و اعتماد
۱۸۳	 فصل ۶: سیاست ترس
۲۰۳	 فصل ۷: فراسوی ترس؟

سخن سرپرست مجموعه

فلسفه در همه کشورها و همه فرهنگ‌ها، از جمله کشور خودمان، واژه‌ای پراکنده است. کتاب‌های فلسفه هم غالباً در قفسه‌ها در جایی قرار می‌دهند که می‌سبب با همین ابهتشان باشد. به اصطلاح خودمانی، آن بالا باقی می‌ماند و مردم هم به دیده احترام به فلسفه می‌نگرند هم در عین حال از آن می‌ترسند. کمتر کتابخوان عادی به سراغ کتابی می‌رود که عنوان فلسفه را بزرگ می‌کشد. به نظر آنها فلسفه خواندن کار هر کسی نیست و بنابراین عطایش را به لقایش می‌بخشند. و البته با وضع کنونی این تصور به دور از حقیقت هم نیست.

اما بگذارید کمی بیشتر مسئله را بشکافیم و رصیداتی بدهیم. اکثراً سؤالی که مطرح می‌شود این است که «فلسفه چیست؟» و پاسخ معمولاً دو بخش دارد: از نظر لغوی فلسفه «دوستداری چیست؟» «عشق به حقیقت» است، و از نظر رشته‌ای، دانشی نظری و غریباً انتزاعی. اما اولاً این پاسخ تا چه حد مقرون به حقیقت است، ثانیاً آیا این پرسش که «فلسفه به چه کار می‌آید؟» پرسشی بهتر نیست؟ اگر این قول مقبول تقریباً همگان را بپذیریم که خاستگاه فلسفه

یونان باستان و نخستین فیلسوف به معنای متعارف امروزی اش سقراط بوده است بحث شاید به مسیر دیگر و بهتری هدایت شود. می دانیم که سقراط در کوچه و خیابان و میدان می گشته است و سؤال هایی فلسفی را با رهگذران در میان می گذاشته است و البته شیوه خاص خودش را هم در این کار داشته است که به اصطلاح معمولی «محواره» نامیده می شود. اما سؤال های «فلسفی» سقراط از چه کسی بودند؟ سقراط عمدتاً سؤال هایی را مطرح می کرد که با زندگی و شخصیت و خصائل افراد ارتباط داشت. و یونانیان طرف محاوره سقراط را لزوماً فیلسوف هم نبودند، از بحث درباره این سؤال ها پرهیز نمی کردند. امروز هم اگر نظیر همان سؤال ها از هر کس پرسیده شود هرگز نمی گویند بحث ها فلسفی است پس من که فیلسوف نیستم درگیر آنها می شوم. اما هر چه از دوران سقراط فاصله گرفتیم و علی الخصوص پس از ارسطو کتاب مابعدالطبیعه اش، فیلسوفان به دو دسته کلی تقسیم شدند: فیلسوفان هنر زندگی و فیلسوفان نظری سیستماتیک. آن دسته اول همان راه سقراط را در پیش گرفتند، یعنی طرح سؤال هایی که به هر کس و در کجایه زندگی ربط پیدا می کند و پاسخ به این سؤال ها «راه زندگی» هر کس را تعیین می کند. اما عده بیشتری در دسته دوم قرار گرفتند و به بحث ها انتزاعی پیچیده پرداختند و اوج آن پدید آمدن فلسفه تحلیلی و فلسفه اوست. اکثرأ به تجربه های زندگی و علی الخصوص زندگی خودشان بسند می کردند و سعی می کردند از این طریق بلکه به بهترین راه و زیستن (چه حیات فردی چه حیات اجتماعی) دست یابند. نوشته های اینان بسیار شبیه نوشته های ادیبان و شاعران بود. برای

همین آن دسته دوم که قدرت و وسعت بیشتری پیدا کرده بودند اینان را نه فیلسوف، بلکه همان شاعر و ادیب می خواندند یا حتی بعضاً شارلاتان هایی که دل از نوجوانان می ربایند. اما فیلسوفان هنر زندگی هم متقابلاً فیلسوفان نظری سیستماتیک را که فلسفه را امری غیرشخصی می دانستند و به بحث در کلیات اکتفا می کردند افرادی گمراه خود گرفته قلمداد می کردند که فلسفه را از وظیفه اصلی اش، که هر چه بهتر کردن زندگی است، دور می کنند و بدل به دانشی کاذب که هیچ کس را آید، افرادی نظیر مونتینی، پاسکال، شوپنهاور، کیرگگور و... و... و... گزینستانسیالیست ها را می توان در دسته اول قرار داد و حتی شاید بتوان ویتگنشتاین را هم به آنها افزود. دسته دوم از فیلسوفان مدرسه (سکولاستیک) آغاز می شوند و به فیلسوفان زبان ختم می شود. البته فیلسوفانی بینابینی هم در این میان وجود دارند، مثل روسو، هابز، و بسیاری دیگر. این بحث البته دامنه بسیار گسترده ای دارد اما هدف من از طرح اجمالی آن توضیح دادن دلیل برای ضرورت فراهم آوردن این مجموعه گسترده بود.

از نظر من فلسفه فقط رشته ای دانشگاهی نیست که در دانشگاه خوانده شود و مختص عده خاصی باشد که در این رشته تحصیل می کنند. فلسفه به همه تعلق دارد و همه ما از کودکی سؤالاتی طرح می کنیم که جنبه فلسفی آشکاری دارند. شاید کمتر کسی باشد که به سؤالاتی فشرده در این بیت گاه به گاه به ذهنش خطور نکرده باشد: از کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود / به کجا می روم آخر نمایی وطنم. در واقع همه این سؤالات فلسفی هستند: از کجا آمده ایم، که هستیم، چه

باید بکنیم، معنای زندگی مان چیست، و عاقبت کارمان چه. تولد، مرگ، خوشبختی، نیکی، بدی، معیارهای زندگی، و همهٔ خصائل انسانی در دل این سؤال‌های فشرده نهفته‌اند. پس درست است که ما همه فیلسوف حرفه‌ای نیستیم، اما همه‌مان به مسائل فلسفی، در عیان و نهان، فکر می‌کنیم و این فکر کردنمان بر شیوهٔ زندگی و سبک زندگی ما تأثیر می‌گذارد. پس فلسفه در این معنا یک دانش انتزاعی به درد دور مختص عدهٔ خیلی نیست. کتاب‌های «فیلسوفان هنر زندگی» و «فلسفهٔ زندگی» را بگویند و ما از طریق سخن گفتن با آنها به شیوه‌ها و راه‌های درست‌تر عمل کردن، چه برای اعتلای خودمان، چه برای زیستنی کردن نهان، و کاستن از دردها و افزودن بر شادی‌ها پی می‌بریم.

متأسفانه در کشور ما هم فراوان نویسندگان و مترجمان فلسفه معطوف به کتاب‌های سرگشته‌کننده و سیستماتیک است، کتاب‌هایی که خوانندگان احساس می‌کنند به نویسندگانش اصلاً تلاشی نمی‌کند تا زندگی را با همهٔ آشوب‌هایش، پوچی‌هایش، غم‌هایش، خوشی‌هایش، سرخوردگی‌هایش، اضطراب‌هایش و خدشه‌هایش درک کند، درگیرشان شود، و ما را نیز همراه با خودش درگیرشان کند. برعکس، این احساس به خواننده دست می‌دهد که با عقیده‌های انتزاعی روبروست که تقریباً هیچ ربطی به واقعیت ندارند. اما واقعیت این است که ما در زندگی مان با همهٔ این پدیده‌ها سروکار داریم و نیاز داریم به هر چه بیشتر از وضع زندگی مان و خصوصاً احساساتمان در دریاوریم، دست به داوری‌های ارزشی بزنیم، و مبنایی برای این داوری‌های ارزشی پیدا کنیم. فراتر از همه، ما سخت نیازمند درک

معنای زندگی و آشنایی با «هنر زندگی» هستیم. اما مجموعه کتاب‌های فلسفی که در ایران منتشر می‌شوند کمتر به این مسائل می‌پردازند و در نتیجه ما به لبه پرتگاهی دوسویه کشانده می‌شویم که یک سویش یا وانهادن فلسفه و یا صرفاً تبدیل این کتاب‌ها به کتاب‌های بالای تاقچه‌ای برای قمیز در کردن است، و سوی دیگرش، روی آوردن به کتاب‌های به اصطلاح «زرد» به قلم افرادی است که پاسخ‌های دم‌دستی به این سؤال‌ها می‌دهند و راه‌حل‌های یکسان آسان می‌دهند. مشکلات همگان پیش پا می‌نهند که همه با آنها آشنا هستیم: «راه‌های فریبختی»، «۲۰ راه برای غلبه بر اضطراب»، «۵۰ توصیه برای زندگی عاشقانه» و... انگار انسان‌ها ماشین هستند و می‌توان برای مشکلات افراد به نام مشترک اما کیفیت متفاوت دارند، راه‌حل یکسانی عرضه کرد که اگر هم بیفتد. این کتاب‌ها اکثراً به نظر من خطرناک هم هستند، زیرا مراد را از اندیشیدن به مسائل و مشکلاتشان معاف می‌کنند و نسخه‌ای پیچیده که همه به یکسان از آن استفاده کنند.

این موقعیتی خطیر است که جامعه ما و احاد را تهدید می‌کند. البته هرگز نمی‌توان با اغراق ادعا کرد که مثلاً با چنین مجموعه‌ای می‌توان به چنین نیاز معطل‌مانده‌ای پاسخ داد، اما به هر حال گامی کوچک در این راه باشد. انتشار کتاب‌هایی فلسفی که نه فقط با صدای عقل، بلکه با شور زندگی، با ما درباره مسائلمان سخن می‌گویند، آن هم نه با اعلام حکم قطعی در هر مورد، که قطعاً در توان هیچ‌کس نیست، بلکه با نور تاباندن بر زوایای تاریک و پیچیدگی‌های

مسائل زندگی و دعوت از خود ما برای تفکر بیشتر و یافتن راه حل های مخصوص به خودمان، یعنی فکر کردن به «هنر زندگی» با مدد گرفتن از «تجربه» دیگران.

عناوین این مجموعه پرشمارند و طبیعتاً بعضی حتی عناوین مشترک یا شبیه هم دارند، زیرا اینها مسائلی است که تقریباً همهٔ نویسندگان هنر زندگی دغدغه اش را دارند: معنای زندگی، خوشبختی، نوجوانی، سرشت بشر، فضیلت، مبانی ارزش ها، شخصیت، عزیمت به آلتامیز، ترس، درد، بیماری، ملال، و....

این مجموعه تقریباً پایانی ندارد، اما فعلاً در هر ماه حداقل دو کتاب عرضه خواهد شد و امیدواریم با یاری شما بتوانیم باب تازه ای را در نشر کتاب های فلسفی بگشاییم.

با اینکه کتاب های این مجموعه «فلسفی» هستند اما چون فلسفی به همان معنای خاصی هستند که توضیح دادم در عنوان مجموعه به جای لفظ «فلسفه» از «هنر زندگی» استفاده شده است، شاید که این بهتر منظور و مقصود این مجموعه باشد. در ضمن مجموعه «تجربه و هنر زندگی» همچنانکه از عنوان بر می آید به دو دسته کتاب تقسیم می شود. کتاب های نظری «هنر زندگی» و زندگینامه ها، زندگینامه های شخصی، یادداشت های پراکنده و خاطرات و کتاب های صرفاً «تجربه زندگی» هستند.

خشیار دیه